خبر

پاسخ شورای نگهبان به استعلام مجلس درباره ۳ اعتبارنامه

● **ایسنا:** در پی استعلام شعب مجلس درباره اعتبارنامه سه منتخب مجلس، شورای نگهبان به این استعلام پاسخ داد. علیرضا سلیمی، عضو هیئت‌رئیسه مجلس، دراین‌باره گفت: بر اساس پاسخ شورای نگهبان به استعلام صورت‌گرفته از سوی شعب، مدارک و مستندات معترضان به اعتبارنامه آقایان دلخوش و محمد صالحی، منتخبان صومعه‌سرا و چادگان، پیش از این در شورای نگهبان مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

او افزود: طبق اعلام شورای نگهبان، مدارک و مستندات معترضان درباره اعتبارنامه آقای تاجگردون، منتخب گچساران، پیش از این در شورای نگهبان مورد بررسی قرار گرفته است. سلیمی ادامه داد: بر این اساس، با وجود اینکه پیش از این تأیید اعتبارنامه آقایان دلخوش و محمد صالحی در شعبه دهم اعلام شده بود، این شعبه باید مجدد درباره اعتبارنامه این دو منتخب تشکیل جلسه دهد و تصمیم‌گیری کند. درباره اعتبارنامه آقای تاج گردون نیز شعبه دوازدهم باید با توجه به پاسخ شورای نگهبان، تشکیل جلسه داده و نظر خود را اعلام کند.

در همین رابطه موسوی‌لارگانی، رئیس شعبه دوازدهم مجلس، از برگزاری جلسه این شعبه خبر داد و گفت شعبه ۱۲ در جلسه فردا درباره اعتبارنامه آقای تاجگردون تصمیم‌گیری خواهد کرد.

محمدحسین فرهنگی، سخنگوی هیئت‌رئیسه مجلس نیز در این رابطه گفت: با توجه به پاسخ شورای نگهبان به شعب مربوطه، شعب باید تشکیل جلسه دهند. در نهایت در صورت تأیید اعتبارنامه هرکدام از منتخبان در شعب، نظر شعبه در صحن مطرح و تصویب اعتبارنامه اعلام می‌شود و در غیر این صورت، موضوع به کمیسیون تحقیق ارجاع داده خواهد شد. طبق تبصره یک ماده ۲۸ آیین‌نامه داخلی مجلس، «شعبه موظف است عدم رسیدگی شورای نگهبان به موضوع مورد اعتراض یا حادث‌شدن آن بعد از اعلام صحت انتخابات را احراز کند». بر این اساس، درصورتی‌که مدارک و مستندات معترضان برای اعتراض به اعتبارنامه یک منتخب در شورای نگهبان و هنگام بررسی صلاحیت‌ها مورد رسیدگی قرار گرفته باشد، شعبه امکان بررسی مجدد آن را نخواهد داشت. حال باید دید سرنوشت اعتبارنامه سه نماینده که در صحن علنی رد شده است، چه خواهد شد.

ادامه از صفحه اول

سایه‌روشن قتل رومینا

علاوه بر فقدان برنامه‌های دولتی و عمومی برای آموزش در این حوزه‌ها، مسیر فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد نیز پرسنگلاخ است. صداوسیما هم به‌عنوان رسانه فراگیر انحصاری، ظاهرا در این حوزه رسالتی برای خود قائل نیست. شاید بهتر باشد مقامات محترم در پاسخ به مطالبه افکار عمومی در مورد حادثه اخیر علاوه بر تأکید بر اصلاح قوانین، مسئله آموزش و کار فرهنگی در این حوزه‌ها را که خود تبدیل به یک معضل شده، سامان بدهند و حداقل موانع را از پیش پای سازمان‌های مردم‌نهاد بردارند. دستگاه قضائی و ضابطان دادگستری به‌ویژه نیروی انتظامی نیز باید آموزش خاص در حوزه مسائل کودکان را به‌عنوان امری فوری و حیاتی در دستور کار قرار دهند. حتی نیروی انتظامی می‌تواند با ایجاد واحدهای خاص پلیس کودکان و نوجوانان این قبیل امور را به افراد متخصص و باتجربه بسپارد. صداوسیما و به‌ویژه شبکه‌های استانی در مناطق آسیب‌پذیر نیز با عبور از برخی تنگ‌نظری‌ها، این قبیل آسیب‌ها را با استفاده حداکثری از توان کارشناسی کشور موردتوجه قرار دهند. اما نکته دیگری که باید به آن توجه کرد تعریف کودک است؛ امری که خود سال‌هاست در کشور ما محل اختلاف بوده و مشکلات گسترده‌ای را ایجاد کرده است. این نوشته در مقام بررسی سن کودکی نیست اما به‌عنوان یک پیشنهاد حداقلی به مراجع تصمیم‌گیری، به نظر می‌رسد می‌توان بدون مغایرت با موازین شرعی و فقهی، تعریفی متفاوت از سن کودکی در مسائل اجتماعی و رویکرد نهادهای ذی‌ربط ارائه داد. آن‌گونه که از منابع فقهی استفاده می‌شود، احکام فقهی در حوزه صغر و بلوغ عمدتا متوجه تکالیف و مسئولیت شرعی و تصرفات فرد در امور مالی و غیرمالی است و منعی وجود ندارد که حداقل در مورد تکالیف افراد و خانواده‌ها و به‌ویژه دستگاه‌های حکومتی در مقابل محافظت از اطفال و نوجوانان و مسائل اجتماعی آنان، تعریف متفاوتی از سن کودکی ارائه شود و مثلا ۱۸سالگی به‌عنوان سن خروج از کودکی قلمداد شود؛ کمااینکه در برخی امور مانند امور بانکی عملا چنین اتفاقی افتاده است. خلاصه باید تأکید کرد حوادثی مانند آنچه در روستای لمیرتالش رخ داد، ریشه در عوامل متعدد فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی دارند و برخورد با آنها در ابتدا مستلزم احساس مسئولیت و سپس داشتن عزم و برنامه ملی با مشارکت نهادهای حکومتی و سازمان‌های مردم‌نهاد است.

***رئیس اتحادیه کانون‌های وکلای دادگستری**

اندر مصائب وسط ماندن

ایستاده در غبار

سیاست‌مدارانی که در مقاطعی در وسط بازی سیاست ایستادند، بازی را باخته‌اند. چه جایگاهی فراجناحی برای خود برگزیده باشند چه ادعای جریان سوم کرده کرده باشند. وسط‌ایستادن لزوما به معنای میانه‌روی نیست، بلکه مشخص‌کردن جایگاه خود در یکی از دو قطب راست و چپ سیاست ایران است. حتی سیاست‌مداران میانه‌رو هم تا زمانی که مشخصا به یکی از دو جناح متعلق نبودند، اقبالی در سیاست نداشته‌اند. حسن روحانی اگرچه در جریان اعتدال تعریف می‌شود اما تازمانی‌که مرزهایش را با یک قطب سیاست ایران مشخص نکرد، از سوی قطب دیگر پذیرفته نشد. جایگاه فراجناحی صرفا متعلق به رهبری است و یک سیاست‌مدار عرصه اجرا تا این لحظه هرگاه تکلیفش را با خودش در رابطه با دو جناح مشخص نکرده، باخته است.

از رفسنجانی تا هاشمی

هاشمی در مقطع ۸۴ دقیقا در چنین موقعیتی بود؛ نه اصلاح‌طلب نه اصولگرا. او داشت از پایگاه اصولگرایی‌اش دور می‌شد و به اصلاح‌طلبان نزدیک می‌شد اما چون درست در وسط این تغییر ریل قرار داشت، بازی انتخابات را باخت. او تا آن لحظه که هنوز سبقه راست‌گرایی‌اش قوی بود، رفسنجانی نامیده می‌شد و از ۸۴ به این سو کم‌کم این نام فراموش شد و هاشمی جایگزینش شد. هاشمی همواره مدعی بوده که در وسط ایستاده است. خودش را اعتدالی می‌دانست و می‌گفت این دو جناح بودند که خودشان را در مقاطعی به او نزدیک یا از او دور کرده‌اند. در جای‌جای خاطراتش نیز چنین نقش فراجناحی‌ای برای خودش قائل است. این در حالی است که جریان اصلاح‌طلبی در مقاطعی با او زاویه‌هایی تند داشت. کتاب عالیجناب سرخ‌پوش و رأیی که در مجلس ششم آورد، همه حاکی از نگاه این جریان به او در آن زمان است. بدنه جامعه هم با هاشمی تعارض داشت. زمان نیاز داشت تا هاشمی بالاخره تکلیف خودش را با یکی از دو جناح مشخص کند. ۸۴ هم احمدی‌نژاد ضربه آخر را به او زد و باعث شد هاشمی تکلیفش را کاملا با خودش مشخص کند. با توجه به حمایت اصولگرایان از احمدی‌نژاد، طبیعی بود که او کم‌کم به سمت جریان اصلاح‌طلبی هل داده شود. از ۸۸ به بعد هاشمی کاملا در سمت جناح اصلاح‌طلبی تعریف می‌شد. رفسنجانی که تا پیش از ۸۴ با نماد اریستوکراسی سرمایه‌داری و اشرافی‌گری معرفی می‌شد، در دهه ۹۰ تبدیل هاشمی منتقد وضع وجود، مدافع آزادی بیان، حقوق مردم و... شد تا جایی که پیش‌بینی شده بود که در صورت تأیید صلاحیت در سال ۹۲، ۳۰ میلیون رأی پشت سرش خواهد داشت. ازهمین‌رو بود که وزیر اطلاعات احمدی‌نژاد در جلسه شورای نگهبان حضور یافت و هاشمی‌شاهرودی به اعتراض در جلسه رأی‌گیری برای هاشمی در آن شورا غیبت کرد.

از دکتر خلبان تا قالیباف

قالیباف هم سیاست‌مداری بود که سال ۸۴ وسط ایستاد. او همان سال هم خودش را رقیب اصلی هاشمی می‌دانست. شاید به این نتیجه رسیده بود که رفتار سیاسی‌اش شبیه هاشمی است و چشم به

> **وسط‌ایستادن لزوما به معنای میانه‌روی نیست، بلکه مشخص‌کردن جایگاه خود در یکی از دو قطب راست و چپ سیاست ایران است. حتی سیاست‌مداران میانه‌رو هم تا زمانی که مشخصا به یکی از دو جناح متعلق نبودند، اقبالی در سیاست نداشته‌اند**

طبقه متوسط دارد. برخلاف خواستگاه نظامی و اصولگرایش با ظاهر و چهره‌ای متفاوت وارد عرصه شد. تصویری از یک تکنوکرات شیک‌پوش که دغدغه‌هایی نوی همسو با طبقه متوسط مدرن از خود بروز داد. او تصور می‌کرد محافظه‌کاران را پشت سرش دارد و اکنون بخشی از آرای طبقه متوسط را هم به دست می‌آورد و رئیس‌جمهور می‌شود. درباره بخشی از طبقه متوسط درست فکر کرده بود، چراکه بخشی از رأی آنها را گرفت، اما هم‌زمان یک نه بزرگ هم از سوی محافظه‌کاران دریافت کرد. همین به او ثابت کرد این وسط‌ایستادن او را به جایی نمی‌رساند. قالیباف همان زمان تصمیمش را گرفت و ترجیح داد به همان پایگاه اصولگرایی‌اش بسنده کند و بی‌خیال جذب طبقات مدرن‌تر جامعه شود. پذیرفت که متعلق به پایگاه اصولگرایان است و باید همین پایگاه را حفظ کند. وفاداری‌اش را هم با وجود برخی نامهربانی‌ها یا حجت‌شکنی‌های یاران اصولگرایش تمام و کمال نشان داد تا بالاخره توانست به ریاست مجلس اصولگرایان برسد.

از احمدی‌نژاد تا جریان انحرافی

احمدی‌نژاد هم دقیقا از زمانی که از پایگاه اصولگرایی‌اش دور شد، در وسط ایستاد. او به خوش‌شانسی دو سیاست‌مدار قبلی نبود و بعید است قدرت دیگرباره به او رو کند، چراکه مشخصا به سمت جریان اصلاح‌طلبی هم نرفت یا به عبارت بهتر از سوی آنها به دلایل مشخص، پذیرفته نشد. بی‌اعتمادی به صداقت در سیاست‌ورزی او با وجود ادعاهای جدیدش و به‌ویژه اینکه او هنوز یک سر دعوای ۸۸ است باعث نمی‌شود او بتواند به سمت اصلاح‌طلبان بیاید. کما اینکه او خودش را مبدع جریان دومی می‌داند که از دیدگاهش اصلاح‌طلبی و اصولگرایی هر دو یک جریان هستند. او با اینکه وامدار جریان اصولگرایی برای برآمدنش در قدرت است، اما برعکس آنها را وامدار خود می‌داند. برای همین از وقتی مسیرش را جدا و شروع به حمله به آنها کرد، از دایره اصولگرایی بیرون شد. سیاست‌ورزی احمدی‌نژاد بدترین نوع بازیگری وسط‌ایستادن بود، چون پرونده سیاسی‌اش با نرسیدن به کامیابی تا این لحظه صرفا با یک پست سنتی در مجمع تشخیص مصلحت بسته شده است؛ سمتی که برای او قطعا قانع‌کننده نیست.

از لاریجانی تا ساکت فتنه

علی لاریجانی هم اصولگرایی است که این روزها گویی در وسط سیاست ایستاده است؛ ایستاده بین راست و چپ. از دوران ریاستش بر صداوسیما که کاملا سیاست‌هایش علیه اصلاح‌طلبان بود، به جایی رسیده که همسو با اصلاح‌طلبان متحد حسن روحانی می‌شود. در ۸۸ ساکت فتنه لقب می‌گیرد و در سالگرد پیروزی انقلاب در قم به او حمله می‌شود. ماجرا برای او هم از ۸۴ به بعد شروع شد. وقتی در شورای عالی امنیت ملی با احمدی‌نژاد به مشکل خورد و احتمالا حمایتی از سوی اصولگرایان حامی احمدی‌نژاد از خود ندید. اگرچه در مجلس اصولگرایان توانست یک رئیس مقتدر بماند؛ اما به‌وضوح در مجلس دهم با بخشی از این جریان به مشکل خورد تا جایی که او را دیکتاتور خطاب کردند. حمایتش از برجام به این تنش میان او و اصولگرایان بیشتر دامن زد و پیام این تنش را با رأی دوم شدنش در قم برای مجلس دهم دریافت کرد. لاریجانی که زمانی یک از احتمالات انتخابات ۱۴۰۰ بود، قطعا الان نسبت به ورودش به کارزار انتخابات ریاست‌جمهوری تردیدهایی جدی دارد، چون قطعا دیگر تک نامزد جبهه اصولگرایی نخواهد بود و به‌جز بخشی از جریان اصلاح‌طلبی و اعتدالی احتمالا هواخواه جدی‌ای در عرصه سیاست ندارد. در صورت ورود به انتخابات، در جریان اصلاح‌طلبی احتمالا صرفا طیف حزب کارگزاران از او در ۱۴۰۰ حمایت کند. پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که آینده سیاسی لاریجانی هم تقریبا به پایان رسیده است.

علی مطهری و سروش محلاتی در نشستی اینستاگرامی درباره نسبت قدرت و روحانیت صحبت کردند

روحانیت و آزمون قدرت

شرق: «روحانیت و آزمون قدرت» موضوع نشست اینستاگرامی علی مطهری و سروش محلاتی بود؛ نشستی که انجمن اندیشه و قلم به مناسبت چهلمین روز درگذشت آیت‌الله امینی، عضو مجلس خبرگان رهبری برگزار کرد. همان‌طور که از عنوان نشست پیدا بود، مطهری و محلاتی در این نشست درباره نسبت قدرت و روحانیت صحبت کردند. محلاتی در ابتدای این نشست با طرح این سؤال که خطرات قدرت برای انسان چیست؟ توضیح داد: «لایه نخست و آشکار آن این است که فردی سالم پس از رسیدن به قدرت، فاسد شود. این برای رجال دینی کمتر پیش می‌آید. لایه دوم این است که قدرت در شخص اصلی اثری نگذارد و او را فاسد نکند، اما اطرافیان و نزدیکان آن شخص از قدرت سوءاستفاده می‌کنند. لایه سوم این است که فرد به دلیل مصالح حکومت، ارتباط و زندگی‌اش از مردمی‌بودن خارج شود؛ اما لایه چهارم که عمیق‌تر است، تأثیر قدرت بر اندیشه و فکر و نگاه فرد است که تحت‌تأثیر قدرت تغییر کند». در سوی دیگر مطهری در بحثش بر این باور بود که «ویژگی روحانیت شیعه از نگاه شهید مطهری، این است که مستقل از دولت‌هاست و به همین جهت قدرت ایجاد حرکت‌های اجتماعی را در طول تاریخ داشته است». در ادامه، گزارشی از این نشست را که به دلیل کرونا به فضای مجازی منتقل شده می‌خوانید.

مطهری: فقیه بر جامعه ناظر است

مطهری، نماینده سابق تهران، در این نشست توضیح داد: «روحانیت شیعه همواره در کنار مردم و مقابل حکومت‌ها بوده و دولت‌ها را امر به معروف و نهی از منکر کرده است. این ویژگی از نگاه شهید مطهری درعین‌حال که نقطه قوت است، محل آسیبی به نام عوام‌زدگی هم بوده؛ چراکه روحانیت شیعه از مردم ارتزاق کرده و ازاین‌رو، در مبارزه با نقاط ضعف جامعه دچار ناتوانی بوده است. برعکس روحانیت اهل سنت که وابسته به دولت‌هاست و همواره در کنار حکومت بوده و قدرت ایجاد حرکت‌های اجتماعی نداشته است، حال آنکه شاید دچار عوام‌زدگی نباشد. کمااینکه، شیخ محمود شلتوت عکس جمال عبدالناصر را در اتاق خود نصب می‌کند، اما میرزای قمی حسرت یک مطالبه را بر دل فتحعلی‌شاه می‌گذارد». به گزارش «شفقنا»، مطهری درباره آیت‌الله امینی گفت: «ایشان دارای روشی معتدل بود و سعی داشت در تعریف و تمجید یا انتقاد از افراد، اعتدال را حفظ کند و به‌اصطلاح جوزده نباشد؛ برخلاف برخی که در تعریف یا نقد یک شخصیت سیاسی، اجتماعی دچار اغراق یا تملق و چاپلوسی می‌شوند. همچنین ساده‌زیست بود. در قم بارها دیدم که با پاکت خرید میوه در حال پیاده‌روی به سمت منزل است». به گفته او، آیت‌الله امینی «در فقه سیاسی، بر ورود حوزه به پژوهش‌های علمی مورد نیاز حکومت اسلامی تأکید بسیار دارد. معتقد است حوزه باید بخشی از تلاش خود را بر پژوهش‌های علمی درباره مسائل مورد نیاز حکومت اسلامی و تبیین فلسفه سیاسی اسلام متمرکز کند. هرگز دچار سیاست‌زدگی نشد و هرجا احساس می‌کرد می‌خواهند چیزی را بر او تحمیل کنند، انصراف می‌داد». او درباره «تأثیر قدرت بر مواضع سیاسی، اجتماعی روحانیت» ادامه داد: به‌هرحال باید پذیرفت روحانیت قبل و بعد از انقلاب به صورت طبیعی دچار تفاوت‌هایی شده؛ تفاوت‌هایی که برخی مزیت هستند و برخی آسیب. هرچند در میان اهل سنت بسیار از اصلاح سخن گفته شده، ولی حرکت‌های اصلاحی عمدتا در شیعه شکل گرفته است، چراکه شیعه عدالت علی، عاشورا و صحیفه سجادیه دارد و اساس روحانیت شیعه در انکار حقانیت پادشاهان بوده و شهید مطهری تأکید دارد روحانیت بعد از پیروزی انقلاب باید تلاش کند این استقلال از دولت‌ها را حفظ کند و حتی در جمهوری اسلامی نیز پست اجرائی و دولتی نپذیرد، مگر به اضطرار یا برای جایگاه قضاوت و تعلیم و تربیت». به گفته این استاد دانشگاه، «استاد مطهری تأکید دارد روحانیت باید در جمهوری اسلامی نیز در کنار مردم و ناظر بر دولت‌ها باشد و به امر به معروف و نهی از منکر بپردازد تا نفوذ کلام خود را از دست ندهد. ایشان دو هفته قبل از شهادت تأکید داشت که دایره امر به معروف و نهی از منکر تشکیل شود و این فریضه به معنای عام آن توسط روحانیت انجام شود». مطهری توضیح داد که «کار اصلی روحانیت از نگاه شهید مطهری، نظارت است. از نگاه استاد مطهری، فقیه بر جامعه ناظر است که از مسیر اسلام خارج نشود. شهید مطهری تأکید دارد که پرچم اصلاحات نباید از دست روحانیت به دست روشنفکران غرب‌زده بیفتد و باید پیش از ورود دیگران، روحانیت خود پرچم اصلاحات را برافرازند». او سؤالی درباره نسبت روحانیت و قدرت ۴۰ سال بعد از پیروزی انقلاب را هم چنین پاسخ داد: «امروز نیز هرچه روحانیت از مصادر اجرائی فاصله بگیرد و به کار اصلی خود؛ یعنی تربیت و هدایت و نظارت بپردازد، بهتر است».

محلاتی: بدون پذیرش مردم، نمی‌توان برای حاکم مشروعیت قائل شد

سروش محلاتی، استاد حوزه علمیه قم نیز دیگر سخنران این نشست بود. او معتقد بود که «آیت‌الله امینی در آزمون قدرت سرافراز شد، چون خودش سوءاستفاده‌ای نکرد و اجازه سوءاستفاده را به اطرافیانش نداد، اخلاق و رفتارش تحت‌تأثیر قدرت تغییر نکرد و از نظر فکری، اساس قدرت را از مردم می‌دانست و تمام تلاش خود را کرد تا این محدودکردن قدرت و نظارت مردم و پاسخ‌گوبودن قدرت به مردم در قوانین تصویب شود». محلاتی با طرح پرسشی مبنی‌بر اینکه با توجه به خطرات و آسیب‌های اخلاقی قدرت برای انسان، کسی می‌تواند با وجود حضور در قدرت، از آفت‌های آن مصون بماند؟ گفت: «آیت‌الله امینی شخصیتی بود که با وجود حضور در قدرت، توانست از این خطرات خود را مصون نگه دارد». محلاتی به ساده‌زیستی آیت‌الله امینی اشاره کرد و ادامه داد: «ایشان می‌فرمودند به آیت‌الله یزدی گفتم که شما در نانوایی حضور ندارید و با مردم ارتباط ندارید، اما من با مردم در همان نانوایی ارتباط دارم. همچنین ایشان پس از بهبودی موقت خود در سال گذشته که برای قدردانی از عیادت خود به دیدار بعضی علما و مراجع و بزرگان رفته بودند، برای بنده نقل کردند که منزل چه کسانی رفتند. منزل برخی از اعاظم حوزه رفته بودند و با نوع جدیدی از زندگی آنان مواجه شده بودند که نمی‌توانم تعابیر ایشان را نقل کنم، اما در یک جلسه که در خدمتشان بودم، چنان این صحنه زندگی برخی از علما ایشان را متأثر کرده بود که مکرر در مکرر آه می‌کشیدند و متأثر بودند که چرا وضع حوزه به اینجا رسیده است و چرا این شخصیت‌ها از گذشته خود فاصله گرفته‌اند». سروش محلاتی اما امتیاز بزرگ آیت‌الله امینی را این دانست که «تفکر و نگاه ایشان به مسائل، تحت‌تأثیر قدرت، تغییر نکرد» و افزود: «زمانی که برخی می‌گفتند اندیشه‌های دیگر را چون با مصالح نمی‌خواند باید حذف کرد، ایشان با همان امکانات محدودی که در دبیرخانه مجلس خبرگان داشتند، دیدگاه‌های مختلف را منتشر می‌کردند تا طرح شود. مجله حکومت اسلامی که تحت مسئولیت ایشان در دبیرخانه مجلس خبرگان منتشر می‌شد، نشان‌دهنده عمق آزاداندیشی ایشان و نگاه وسیع ایشان بود که من در نمونه‌هایی شخصا شاهد توصیه‌های آزاداندیشانه و ناشی از حریت فکری و ذهنیت باز ایشان بودم». او ادامه داد: «یک زمینه و فضای آزاد علمی را ایشان می‌پسندید و این کار را تا جایی که می‌توانست، در حوزه علمیه و به‌خصوص دبیرخانه مجلس خبرگان تحمل می‌کرد». محلاتی با نقل‌قولی از امام خمینی افزود: حضرت امام مکررا یک نگرانی را با علمای حوزه علمیه مطرح می‌کردند؛ به طور نمونه در ملاقات فقهای شورای نگهبان فرمودند: کاری نکنید که مردم بگویند اینها (روحانیون) دستشان به جایی نمی‌رسید و حالا که رسید، دیدیم که چه کردند، استبداد دینی یک تهمت است که کاری نکنیم که مردم بگویند؛ یعنی حتی اگر استبداد دینی واقعیت نداشته باشد باید جوری عمل کنیم که به ذهن مردم خطور نکند که روحانیت دچار سوءاستفاده از قدرت شده است». به گفته او، برجسته‌ترین ویژگی افکار شخص آیت‌الله امینی نیز این بود که «رفتار و اخلاق و حتی افکارش، این نگرانی امام را برطرف می‌کرد و اجازه نمی‌داد که این تصویر از روحانیت و دین در ذهن مردم شکل بگیرد. در هرجایی که ایشان حضور داشت، به دنبال همین هدف امام بود که نظام اسلامی از اتهام استبداد تبرئه شود و ایشان در مجلس اصلاح قانون اساسی که عضویت داشت عملا سخنگوی جریانی بود که می‌خواست این هدف محقق شود». سروش محلاتی افزود: «البته پیشنهاداتی که ایشان ارائه داد، اکثرا به تصویب نرسید؛ اما همین طرح پیشنهادات و اصرار و تبیین آن افتخاری برای ایشان و سرمایه‌ای برای انقلاب و نظام است». او در ادامه سخنرانی خود توضیح داد: «یکی از موارد اختلاف دو جریان این بود که اکثر بزرگان حوزه اعتقاد داشتند بیعت مردم نقش و اثری در مشروعیت حکومت ندارد، اما ایشان تنها چهره برجسته‌ای بود که به صورت علنی بر این موضوع اصرار می‌کرد که بیعت و رأی مردم اثر دارد و بدون پذیرش مردم، نمی‌توان برای حاکم مشروعیت قائل شد.

توضیح و پوزش

پوزش از رئیس کل بانک مرکزی

یک نسبت اشتباه

● روز گذشته گزارشی با عنوان «در کمین پاستور ۱۴۰۰» در صفحه ۲ روزنامه «شرق» منتشر شد که موضوع اصلی آن کاندیداهای احتمالی ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ است. با توجه به اشتباه سهوی بخشی از تحلیل ارائه‌شده، روزنامه «شرق» لازم می‌داند توضیحاتی درخصوص این گزارش به خوانندگان محترم ارائه دهد: در بین گزینه‌های مطرح‌شده در تیتر یک روز گذشته «شرق»، نام عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی هم وجود دارد که در چند پاراگراف عملکرد او تحلیل شده است. علت طرح نام همتی در لیست کاندیداهای احتمالی، توییت محمد مهاجری، روزنامه‌نگار اصولگراست که نام همتی را در راستای نظریه‌ای مطرح می‌کند که معتقد است مشکل اصلی کشور اقتصاد است و یک رئیس‌جمهور اقتصاددان می‌خواهد. صرف‌نظر از این نکته که محمد مهاجری چرا از بین همه اقتصاددان‌ها به عبدالناصر همتی رسیده؛ اشتباهات سهوی خبرنگار «شرق» در تحلیل عملکرد رئیس کل بانک مرکزی است. در تحلیل روز گذشته «شرق»، در یک کلی‌گویی به برخی اقدامات همتی اشاره شده که هیچ داده و سندی برای آن ذکر نشده است. در این گزارش به عدم استقلال بانک مرکزی اشاره شده، درحالی‌که هیچ استدلالی برای این عدم استقلال ذکر نشده و یک نسبت کلی داده شده است. به‌این‌ترتیب به واسطه نسبت نادرستی که داده شده، از خوانندگان محترم روزنامه و عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی پوزش می‌طلبیم.

روزنه

روحانی در جلسه اقتصادی دولت:

تلاش می‌کنیم اقشار کم‌برخوردار در تکانه‌های اقتصادی آسیب جدی نبینند

● **ایسنا:** رئیس‌جمهور در جلسه ستاد اقتصادی دولت با تأکید بر اینکه تلاش دولت تدبیر و امید از ابتدای کار، تقویت بنیه اقتصادی اقشار کم‌درآمد بوده است، گفت: دولت به عهد خود درخصوص مبارزه با فقر مطلق پایبند بوده و خواهد بود. حجت‌الاسلام حسن روحانی افزود: دولت در راستای عدالت جمعیتی تلاش کرده است تا حتی‌الامکان در حد تورم، دستمزد و حقوق‌ها را افزایش دهد و بر اساس آمار، طی سال‌های مختلف این روند به طور مداوم در جریان بوده است. در ارائه بسته‌های معیشتی و عدالت غذایی و در حوزه‌های دیگر تلاش دولت بر این بوده است که در صورت بروز تکانه‌های اقتصادی که به جهت شرایط مختلف در جامعه ایجاد می‌شود، این افراد دچار آسیب جدی نشوند و این نکته قابل‌اتکایی در فعالیت‌های اقتصادی دولت و سیاست‌گذاری درخصوص رسیدگی به اقشار کم‌درآمد و کم‌برخوردار بوده است. او با بیان اینکه بر اساس گزارش‌ها و آمار، دولت یازدهم و دوازدهم در این حوزه توفیق داشته است، عنوان کرد: از این نظر دولت به عهد خود درخصوص مبارزه با فقر مطلق پایبند بوده و خواهد بود و بایستی همچنان بر این اساس برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شود. اگرچه این‌گونه وعده‌ها در زمانی مطرح شد که هنوز تحریم‌های شدید سال‌های اخیر علیه کشورمان اعمال نشده و با آسیب‌های اقتصادی کرونا مواجه نشده بودیم، اما هرچقدر هم این آسیب‌ها سنگین و جدی باشد، باز به تعهد خود پایبند بوده‌ایم و تاکنون به میزان زیادی به این وعده‌ها عمل شده و ان‌شاءالله اقدامات دیگر نیز تا پایان دولت به‌گونه‌ای شکل خواهد گرفت تا در تحقق وعده خود سربلند باشیم. روحانی با تأکید بر اینکه دولت در راستای کاهش فقر مطلق سیاست‌هایی را در چهار حوزه در دستور کار قرار داده و پیگیری می‌کند، گفت: افزایش مستمری ماهانه خانوارهای تحت پوشش نهادهای حمایتی، کمیته امداد و سازمان بهزیستی (بر این اساس پرداختی به هر خانوار از سال ۹۲ تاکنون به ۹ برابر افزایش یافته است)، افزایش اعتبارات کل برای اجرای برنامه (از ۴ هزار میلیارد تومان در سال ۹۶ به ۱۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان در سال ۹۹ رسیده و چهار برابر افزایش یافته است)، افزایش تعداد خانوارهای تحت پوشش (بیش از یک میلیون نفر) و احداث مسکن برای خانوارهای محروم (هم‌اکنون ۸۱ هزار واحد مسکونی در دست ساخت است و ۳۹ هزار واحد مسکونی نیز برای روستاییان محروم در استان‌های سیستان‌وبلوچستان، کرمان، کردستان، چهارمحال‌وبختیاری و لرستان در دست احداث است) از اهم این برنامه‌ها و سیاست‌هاست. رئیس‌جمهور همچنین از جمله اقدامات مؤثر دولت در اجرای عدالت در جامعه را آزادسازی سهام عدالت دانست و عنوان کرد: این یک اقدام ارزنده و بجایی بود که می‌تواند به تقویت اقتصاد کشور و مشارکت مردم در سرنوشت اقتصاد کشور بینجامد، ضمن اینکه به رونق بازار سرمایه نیز کمک شایانی خواهد کرد. با توجه به اهداف موردنظر و ابلاغیه مقام معظم رهبری درخصوص سهام عدالت، حقوق دارندگان سهام در همه اقدامات و مقررات باید به طور کامل رعایت شود و نهادهایی که مدیریت سهام را برعهده می‌گیرند باید از نهایت شفافیت برخوردار باشند.